

ترجمه زهره دودانگه

دایره المعارف بریتانیکا

انسان و فرهنگ

(درآمدی بر انسان‌شناسی)





انسان و فرهنگ

درآمدی بر انسان‌شناسی

گروه نویسندگان دایره‌المعارف بریتانیکا

ترجمه: زهره دودانگه

ناشر: نشر انسان‌شناسی

طرح جلد: علی قربی

صفحه‌آرا: وجیهه جوادی‌نیا

ویراستار: زهره دودانگه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۵۲۶-۷-۴

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، روبرو درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷

تلفن: ۶۶۴۶۶۰۰۲

پست الکترونیک: anthropology.pub@mail.com

کلیه آثار منتشره این انتشارات در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید نشر انسان‌شناسی نیست.

عنوان و نام پدیدآور: انسان و فرهنگ/گروه نویسندگان دایره‌المعارف بریتانیکا؛ مترجم زهره دودانگه.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات انسان‌شناسی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۰۵ ص؛ ۱۴/۲۱×۲۸/۵ س.م.

شابک: 978-622-95526-7-4

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخشی با عنوان "Human and culture" بر اساس

دایره‌المعارف بریتانیکا با آدرس

<https://www.britannica.com/science/anthropology> است.

موضوع: انسان‌شناسی

موضوع: Anthropology

موضوع: قوم‌شناسی

موضوع: Ethnology

شناسه افزوده: دودانگه، زهره، ۱۳۶۵ - مترجم

شناسه افزوده: دایره‌المعارف بریتانیکا

شناسه افزوده: Encyclopedia Britannica, Inc

رده بندی کنگره: ۲۵ GN

رده بندی دیویی: ۳۰۱

فهرست

مقدمه.....	۵
فصل ۱: کلیاتی دربارهٔ انسان‌شناسی.....	۱۱
۱-۱. معرفی.....	۱۱
۲-۱. مروری کلی.....	۱۳
فصل ۲: تاریخچهٔ انسان‌شناسی.....	۱۷
۱-۲. کار میدانی.....	۲۱
۲-۲. انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی.....	۲۳
۳-۱. انسان‌شناسی آمریکایی از دههٔ ۱۹۵۰.....	۲۵
۴-۲. انسان‌شناسی اروپایی از دههٔ ۱۹۵۰.....	۲۹
فصل ۱: شاخه‌های علمی انسان‌شناسی.....	۳۱
۱-۳. زبان‌شناسی فرهنگی.....	۳۱
۲-۳. انسان‌شناسی اجتماعی.....	۴۵
۳-۳. انسان‌شناسی زبان و شناختی.....	۵۱
۴-۳. انسان‌شناسی روان‌شناختی.....	۵۷
۵-۳. باستان‌شناسی.....	۵۹
۶-۳. انسان‌شناسی طبیعی.....	۶۵
فصل ۴: انسان‌شناسی در جهان.....	۷۳
۱-۴. انسان‌شناسی در آفریقا.....	۷۳
۲-۴. انسان‌شناسی در آسیا.....	۷۷
۳-۴. انسان‌شناسی در اروپا.....	۸۷
۴-۴. انسان‌شناسی در آمریکای لاتین.....	۹۳
فصل ۵: زمینه‌های خاص مطالعه در انسان‌شناسی.....	۹۷
۱-۵. مطالعهٔ انسان‌شناختی دین.....	۹۷
۲-۵. مطالعات موزه.....	۱۰۳
۳-۵. مطالعات انسان‌شناختی آموزش و پرورش.....	۱۰۹
۴-۵. مطالعات انسان‌شناختی قومیت، گروه‌های اقلیتی و هویت.....	۱۱۲
۵-۵. انسان‌شناسی شهری.....	۱۱۵
۶-۵. مطالعات ملی و فراملی.....	۱۲۱
۷-۵. مطالعهٔ جنسیت.....	۱۲۵
۸-۵. انسان‌شناسی سیاسی و حقوقی.....	۱۲۹
۹-۵. انسان‌شناسی پزشکی.....	۱۳۳
۱۰-۵. انسان‌شناسی غذا، تغذیه و کشاورزی.....	۱۳۷
۱۱-۵. مطالعات زیست‌محیطی و بوم‌شناختی.....	۱۴۱

- ۱۴۵..... انسان‌شناسی توسعه..... ۵-۱۲
- ۱۴۷..... انسان‌شناسی تصویری..... ۵-۱۳
- ۱۵۱..... انسان‌شناسی کاربردی..... ۵-۱۴
- ۱۵۵..... اتنوموزیکولوژی..... ۵-۱۵
- ۱۵۹..... معرفی منابع برای مطالعه بیشتر.....
- ۱۸۹..... واژه‌نامه انگلیسی - فارسی.....
- ۱۹۷..... نامه.....

مقدمه

بیست سال پیش، زمانی که نخستین بار تدریس رشته «انسان‌شناسی» را در دانشکده علوم اجتماعی آغاز کردم، احساس می‌کردم تا اندازه‌ای درون این رشته در «نمونه ایرانی‌اش» پرتاب شده‌ام یا شاید حتی بتوانم بگویم: فرو افتاده‌ام. در گذشته گاه می‌گفتند که گویی از بیرون به این پهنه وارد شده‌ایم؛ این به‌رغم آن بود که همیشه به فرهنگ و مطالعه درباره آن در همه ابعادش علاقه‌مند بودم. شاید هم به همین دلیل بود و هست که از آن زمان تا امروز هنوز باید «انسان‌شناس بودن» خود را به این و آن و حتی به سرنفس‌های شتاب‌زده‌ای که از راه می‌رسند و گاه حتی محصول کار خود ما بوده‌اند، ثابت کنم. برای نمونه هنوز باید بگویم و بگویم که چرا «شهر» می‌تواند یک پهنه و میدان پژوهش انسان‌شناختی باشد؛ یا باید توضیح دهیم که چرا وظیفه یک انسان‌شناس در یک جامعه‌شناس بیش و پیش از هر چیز دخالت اجتماعی برای بهبود موقعیت‌های پیچیده‌ای است که زندگی در جامعه به وجود می‌آورد؛ اما او باید این کار را نه از راه شعار بکند و نه صرفاً از راه نوشتن مطالب صددرصد تخصصی، بلکه باید بخش مهمی از کار خود را صرف آن چیزی کند که علوم اجتماعی مردم‌محور

نامیده می‌شود، تا از این راه بتواند تأثیرگذار بودن این علوم را نشان دهد و راه را برای کار بیشتر کنشگران آن‌ها فراهم کند یا هنوز باید اصرار کنیم که علوم اجتماعی و انسانی به گفته دورکیم رشته‌های بزرگی هستند که تقسیم‌بندی‌های درونی‌شان بیش و پیش از هر چیز روش‌شناختی‌اند و نه میدانی برای مبارزه بر سر حق‌به‌جانب بودن و اهمیت داشتن این یا آن زیر شاخه. به هر رو، از آن سلا‌ها همواره احساس می‌کردم که علوم اجتماعی و به‌ویژه انسان‌شناسی‌ما، با وجود سنت هفتادساله مهم و ارزشمند خویش، باید با پذیرش جهان مدرن، روش و نظریه‌های خود را نو کند و بداند که امروز با جامعه جدیدی روبه‌روست که ارزش و موقعیت‌هایی بسیار متفاوت از بیست، سی یا پنجاه سال پیش دارد؛ اما متأسفانه می‌دیدم که اغلب گوش‌های شنوایی برای درک این موضوع نیست و به بی‌فهمی‌مدن گذشته‌هایی ازدست‌رفته، به هر قیمتی تمایل، بسیار زیاد است و نکته سارتر اینکه بزرگان و پیشکسوتان این رشته، که هوشمندی و تجربه بالاتری داشتند، استدلال نیاز به گذار از «مردم‌شناسی» به «انسان‌شناسی» را درک می‌کردند و تلاطمات و آثارشان بدین روش عمل می‌کردند؛ اما تازه‌از راه‌رسیده‌ها مدعی بودند که باید نام‌های قدیمی را، بی‌آنکه بدانند چه مشکلاتی دارند، حفظ کنند.

اما متولیان رسمی علوم انسانی در سال‌های اخیر، حرکتی باورنکردنی و البته سرچشمه‌گرفته از برخی کنشگران خود این رشته، نام برانیده به‌روز «انسان‌شناسی» را، که حاصل تلاش بیش از نیم‌قرن مبارزه دانشگاهیان در همه جهان برای زدودن میراث استعماری از این رشته بود، کنار گذاشتند و به جای آن دوباره نام استعماری و تحقیرآمیز «مردم‌شناسی» را قرار دادند و به ناگهان دیدیم نام همه درس‌ها را (که در دهه ۱۳۸۰ با مصوبات دانشگاهی با عنوان انسان‌شناسی در حوزه‌های مختلف تصویب شده بود)، با یک ابلاغیه اداری به «مردم‌شناسی» تغییر دادند و گویی خواسته باشند نام «انسان‌شناسی» را حذف

کنند، هر جا با آن روبه‌رو می‌شدند، به جایش مردم‌شناسی می‌گذاشتند. این امری البته غم‌انگیز بود و گاه نیز مضحک؛ زیرا ناچار بودی بر سر یک کلاس بروی و مثلاً «مردم‌شناسی شهری» یا «مردم‌شناسی هنر» درس بدهی؛ یعنی نگاه به خود را از نگاه دیگری استعمارگر تبلیغ کنی.

در این میان، میراث سال‌های دهه ۱۳۸۰ و نیمه دهه ۱۳۹۰ برای همه ما آن بود که نه تنها ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه علم «انسان‌شناسی» منتشر شد و هنر می‌شود، بلکه هر دو مجله دانشگاهی و علمی که در این حوزه منتشر می‌شوند،^۱ بر دو انجمن و سازمان غیرانتفاعی فعال در این زمینه^۲ و همچنین مؤسسه انسان‌شناسی (که امروز این کتاب را به چاپ می‌رساند)، همگی نام «انسان‌شناسی» بر خود دارند؛^۳ به برخی اسناد اداری (نظیر احکام اداری ما) نیز، که کسی هنوز به سراغ آن نرفته نام «مردم‌شناسی» بر آن‌ها بگذارد، نشان می‌دهند که سنت دانشگاهی^۴ از اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰، برخلاف سنت اداره فرهنگ پیشین و روند دولتی غیردانشگاهی، به‌درستی نام انسان‌شناسی را انتخاب کرده بود؛ اما خواننده کنج‌ناو شاید پرسد چرا این چنین بر نام‌ها اصرار می‌ورزیم و این اصرار چه ارتباطی به کتاب حاضر دارد؟

اصرار بر نام‌ها از آن‌روست که چرخش اساسی از «مردم‌شناسی» به «انسان‌شناسی» تثبیت شود؛ یعنی گذار از علمی که استعمارگرانه‌تر است (تا

۱. مجلات علمی - پژوهشی نامه انسان‌شناسی و پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران که هر دو با سردبیری ناصر فکوهی تأسیس شدند.

۲. انجمن انسان‌شناسی ایران (تأسیس ۱۳۸۰) و مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ (تأسیس ۱۳۸۴).

۳. مؤسسه «مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی» در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ طی ادغام این مؤسسه با مؤسسه «تحقیقات تعاون»، بنیاد نهاده شد.

سلطه خود را بر مردمانی که به تعبیر آن‌ها «دور دست» و «غریب» بودند، تقویت کند) به «انسان‌شناسی» یعنی علمی که به وحدت وجودی همه انسان‌ها باور دارد و فرهنگ‌های انسانی را بر اساس منطق مرکز - پیرامونی و سلسله‌مراتب متمدن - ابتدایی، طبقه‌بندی نمی‌کند. این چرخش، پایه و اساس توسعه و تحول تقریباً همه متون علمی و پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌های علمی دانشگاهی بوده است که در سراسر جهان در نیم قرن اخیر در این رشته انجام شده است. به یاد این امر، مدخل تفصیلی یکی از معتبرترین دانشنامه‌های جهان باستان یعنی «پست و پنجاه ساله (نخستین انتشار ۱۷۶۸) و بیش از چهار هزار همکارانش» هنی دانشنامه بریتانیکا، درباره این علم است که ترجمه آن در این کتاب منتشر شده است. خوانندگان علاقه‌مند و به‌ویژه دانشجویان و دانشگاهیان می‌توانند در متن ارائه‌شده در این کتاب، تصویری نسبتاً دقیق و تا حد بسیار بدی زایش‌یافته از جدال‌های درون‌رشته‌ای را بخوانند و حتی با رشد و موقعیت این علم، و به صورت اولیه در تمام نقاط جهان، آشنا بشوند.

بزرگ‌ترین دلخوشی برای قدیمی‌ترها در این رشته در طول سال‌ها تدریس و پژوهش، یافتن جوانانی است که بی‌شک می‌توانند راه و روش را ادامه دهند. جوانانی که برخی از آن‌ها، امروز، در حال تبدیل به استادان جوان این رشته و از همکاران ما هستند. یکی از آن‌ها مترجم و پژوهشگری تواناست که کتاب حاضر را به فارسی منتشر می‌کند. خانم زهره دودانگه از قدیمی‌ترین همکاران انسان‌شناسی و فرهنگ نیز هست. سال‌ها پیش، زمانی که او برای نخستین بار تمایل خود را به همکاری با مؤسسه «انسان‌شناسی و فرهنگ» اعلام کرد، برای آشنایی هرچه بیشترش با علم انسان‌شناسی، از آنجا که از علم دیگری (مطالعات شهری) به این سو آمده بود، به او پیشنهاد کردیم مدخل

انسان‌شناسی در بریتانیکا را ترجمه و در وبگاه مؤسسه منتشر کند. وی با جدیت تمام این کار را انجام داد و حاصل آن پس از سال‌ها کار بر روی موضوع و اصلاحات بسیار زیاد و بهبود متن اولیه ترجمه، امروز در دست خوانندگان است. همان‌گونه که بسیار در رشته و تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی شاهد بوده‌ایم که علاقه‌مندانی از رشته‌های دیگر به آن وارد شده‌اند و تا بالاترین رده‌ها پیشرفت کرده‌اند، ایشان نیز توانستند با این رشته نزدیکی بالایی پیدا کنند و امروز خوشبختانه چندین سال است که از اعضای شورای مرکزی انسان‌شناسی و فرهنگ هستند. افزون بر این، نگارنده، تجربه دست‌کم دو کار مشترک در ترجمه و تألیف را با وی داشته است: ترجمه مشترک کتاب بسیار مهم بوطیقای شهران پیرانسو از زبان فرانسه و تألیف کتاب دوجلدی درس‌گفتارهای اندیشمندان غرب و شهر (به عنوان همکار اصلی)، که هر دو در دست انتشار هستند. خانم مددانه همچنین در دو ترم دانشگاهی در کلاس «انسان‌شناسی شهری» من در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶، دستیار علمی من بودند و از وجودشان بهره زیادی بردیم. همه این موارد و از همه بیشتر فروتنی و پشتکار بالای ایشان در آموختن و بین‌رشته‌ای فکرکردن و باورد داشتن به ارزش کار علمی در شرایطی که بسیاری دیگر صرفاً به خودخواهی‌ها و اتلاف وقت مشغولند یا انیشتی‌های جز نفی کار دیگران برای ارزش دادن به بی‌عملی خود ندارند، جای تقدیر بسیار دارد.

امروز این کتاب به ادبیات نسبتاً خوبی که در حوزه «مبانی» و «درآمد» در رشته انسان‌شناسی وجود دارد، اضافه می‌شود؛ اما هنوز همچون هر جامعه دیگری که خواسته باشد ابعاد مختلف یک علم را به‌خوبی بشناسد و از آن برای نیازهای فرهنگی و اجتماعی خود استفاده کند، ما به بسیاری از کتاب‌های

دیگر در همین زمینه و زمینه‌های دیگر همچون نظریه و شاخه‌های تخصصی و همچنین مطالعات موردی نیاز داریم. در انتشارات «انسان‌شناسی» که به همت دوست و همکار گرامی آقای دکتر جبار رحمانی تأسیس شده است و با مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ همکاری نزدیکی دارد، تلاش می‌شود که در حد توان سر آدر علمی این حوزه از سلايق زودگذر و سطحی بازار جدا و نیازهای واقعی دانشجویان و استادان بازشناسی و تأمین شود و انتشار این کتاب خود شده است. بر این مدعا است. بی‌شک علم انسان‌شناسی ازجمله با کمک پژوهشگران توانایی چون مترجم این کتاب و سایر دوستانی که در آینده نزدیک کتاب‌هایشان در انتشارات «انسان‌شناسی» منتشر خواهد شد، آینده بسیار روشن و شایسته‌ای برای فرهنگ، پربار و رنگارنگ ایران خواهد داشت و به این وسیله پل‌های لازم برای شک‌گیر و دانش‌دوست علم انسان‌شناسی ایران و مکاتب نظری آن، در چهارچوب‌های جهان این علم هرچه بیشتر فراهم خواهد شد.

ناصر فکوهی

استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران